

## فصل چهارم:

### گروه‌های دانشجویی خارج از کشور

فعالیت‌های سیاسی دانشجویان و نیروهای ایرانی مقیم اروپا و آمریکا، از دههٔ چهل شمسی و پس از شکست جریان‌های سیاسی داخلی مانند «جبههٔ ملی دوم» و «نهضت آزادی ایران» شکل گرفت. عناصر وابسته به حزب توده، نظر به تجربهٔ تشکیلاتی و توان سازماندهی، در اوایل کار بر این فعالیت‌ها مسلط بودند؛ ولی تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی در ایران وضعیتی پدید آورد که نفوذ توده‌ای‌ها کاسته شد و به تدریج نیروهای طرفدار چین، سوسیالیست‌های غیر روسی و نیروهای مسلمان انقلابی توانستند هر یک در چارچوب اعتقادات خود سازماندهی یابند.

در این فصل، گروه‌ها و سازمان‌های فعال خارج از کشور، به ترتیب سابقه، معرفیت و نقشی که در روند حرکت سیاسی داشتند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

#### □ کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

از سال ۱۹۶۰ فعالیت عناصر وابسته به احزاب سیاسی و جبههٔ ملی در اروپا، به خاطر به وجود آوردن انجمن‌های دانشجویی در شهرهای دانشگاهی اروپا، شکل گرفت و در آلمان غربی و انگلستان به تشکیل «فدراسیون دانشجویان ایرانی» انجامید. واحدهای تشکیل دهندهٔ کنفدراسیون اروپایی عبارت بودند از فدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان غربی و برلن، فدراسیون دانشجویان ایرانی در بریتانیا،

سازمان‌های دانشجویان مقیم اتریش، اتحادیهٔ فرانسه و سازمان سوئیس (لوزان). در سال ۱۹۶۱/۱۳۴۰ جلسه‌ای با شرکت عده‌ای از فعالین در شهر هایدلبرگ آلمان غربی برگزار شد تا مقدمتاً تشکیل یک کنگرهٔ وسیع دانشجویی را تدارک ببیند. در آمریکا نیز فعالیت دانشجویان موجب نفوذ در سازمان دانشجویان در آمریکا گردید و رهبری آن به دست دانشجویان سیاسی افتاد. سازمان دانشجویان دانشگاه تهران هم با اعلام عضویت خود در کنفدراسیون، شکل خاصی به آن بخشید. با تشکیل کنگره پاریس، کنفدراسیون موجودیت خود را رسماً به نام «کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی» اعلام کرد.

بعد از کنگرهٔ پاریس، کنفدراسیون اروپایی از بین رفت و فرم تشکیلاتی نوینی پیاده شد. بعد از تشکیل کنفدراسیون جهانی، رژیم شاه برای خفه کردن نطفهٔ فعالیت دانشجویی و جلوگیری از گسترش اقدامات آنان، برای تحت فشار گذاشتن مسئولین کنفدراسیون، از تمديد گذرنامهٔ دو نفر از افراد هیئت دبیران آن سر باز زد تا سایرین را از پیوستن به کنفدراسیون برحذر دارد. این امر موجب شد که اولین تظاهرات وسیع و یکپارچهٔ کنفدراسیون در چند کشور به وقوع بپیوندد. این تظاهرات که به اشغال بعضی سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های ایران در اروپا و آمریکا منجر شد، برای اولین بار قدرت دانشجویان را علیه رژیم شاه به نمایش گذاشت و کنفدراسیون از آن پس در سطح وسیعی شناخته شد و در مطبوعات و تلویزیون‌های کشورهای جهان به عنوان یک نیروی جدید به حساب آمد. رژیم شاه مجبور به عقب‌نشینی شد.

در سال ۱۹۶۵/۱۳۴۳ واقعهٔ کاخ مرمر و دستگیری متهمان ادعایی آن که اعضای سابق کنفدراسیون بودند، موجب شد که کنفدراسیون با تمام امکاناتش وارد عمل شود. این مسئله به‌طور غیرمنتظره‌ای در خط‌مشی کنفدراسیون اثر گذاشت و نقطهٔ عطفی در حیات کنفدراسیون گردید.

از آن پس، کنفدراسیون در کشورهای اروپا و آمریکا ارتباط خود را با افراد و سازمان‌های سیاسی و حقوقی، دانشگاه‌ها و دانشجویان سراسر جهان گسترش داد و به این نتیجه رسید که با قدرتی که به دست آورد و زمینه‌هایی که فراهم شد می‌تواند به‌طور مطلوبی به زندانیان سیاسی ایران کمک و از حقوق آنان دفاع کند. بدین منظور دفاع از زندانیان سیاسی ایران در فعالیت‌های کنفدراسیون وارد شد و جزء خط‌مشی آن درآمد. ارگان‌های تبلیغاتی و انتشاراتی کنفدراسیون وسعت پیدا کردند.

شاه در اردیبهشت ۱۳۴۶/ مه ۱۹۶۷ برای اولین بار بعد از تشکیل کنگرهٔ کنفدراسیون قصد داشت به

آلمان غربی سفر کند. فدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان با برگزاری تظاهرات، اعتراض علیه شاه را به نمایش گذاشت. در تظاهرات، بر اثر تیراندازی پلیس، یک دانشجوی آلمانی از دانشگاه برلن به قتل رسید. مسافرت شاه به آلمان و تظاهرات دانشجویان موضوع روزنامه‌های جهانی شد. شاه در وقت مراجعتش از آلمان، به یک خبرنگار گفت که اگر می‌دانست اوضاع از این قرار است هرگز به این سفر نمی‌آمد. و بعد از مراجعتش به ایران رییس سازمان امنیت ایران در اروپا، سرلشگر علوی‌کیا را برکنار کرد.

در شرایط افزایش فعالیت و اعتبار کنفدراسیون، سازمان امنیت عده‌ای از مأموران خود را به خارج اعزام کرد و این مأموران بعداً شبکه‌های ساواک را در اروپا و آمریکا گسترش دادند که زیر نظر «پرویز خوانساری» فعالیت داشتند. رژیم بعد از بی‌اثر دیدن عدم تمدید گذرنامه دانشجویان فعال، اعلام کرد که کنفدراسیون را قانونی نمی‌داند و اعلامیه دادستان ارتش مبنی بر اعلام مجرمیت اعضای کنفدراسیون و تعیین حبس‌های ۳ تا ۱۰ سال برای کسانی که با کنفدراسیون همکاری کنند یا در تشکیلات آن باقی بمانند، انتشار یافت.

با وسعت یافتن دامنه دستگیری‌های سیاسی در ایران، مسائل دفاعی محور فعالیت‌های کنفدراسیون شد و قرار بر این شد که کلیه دفاعیات و اعلامیه‌ها و انتشاراتی که از طرف مبارزین درون کشور پخش می‌شود و به دست کنفدراسیون جهانی می‌رسد، بدون توجه به محتوای آن چاپ و در سطح وسیعی پخش گردد.<sup>۱</sup>

به نوشته شوکت، «با رشد مبارزه گروه‌های مذهبی در ایران، کنفدراسیون کوشش‌هایی را در دفاع و حمایت از مبارزه آنها سازمان داد... انتشار اعلامیه‌های آیه‌الله خمینی در نشریه‌های کنفدراسیون، نمونه دیگری از حمایت آن سازمان از مبارزه نیروهای مذهبی شمرده می‌شد. بر همین روال بود که هیئت دبیران کنفدراسیون در دو نوبت در نجف با آیه‌الله خمینی ملاقات کرد...»<sup>۲</sup>

در شهریور ۱۳۴۷، آیه‌الله مصطفی خمینی، طی نامه‌ای پیرامون چگونگی همکاری‌های آینده با کنفدراسیون، به دبیر انتشارات آن سازمان، در تأکید بر ضرورت برخورداری آن سازمان از معیارهای اسلامی، بیانی صریح و روشن داشت. در صورت تحقق گرایش و هویت اسلامی، کنفدراسیون از امکانات

۱. احمدزاده، جنبش دانشجویی: صص ۳۹-۷۱؛ با تلخیص. نجاتی، تاریخ سیاسی...، ج ۱: صص ۴۵۶-۴۵۸. شوکت، کنفدراسیون جهانی...: تلخیص مطالب اغلب صفحات.

۲. شوکت، کنفدراسیون جهانی...: صص ۳۵۹-۳۶۰.

گسترده روحانیان نیز برخوردار می‌گشت. حمید شوکت می‌نویسد: «شاید آنچه فرزند آیه‌الله خمینی در نامه خود پیرامون باورهای مذهبی مردم خطاب به کنفدراسیون نوشته بود، مطالب پیش پا افتاده‌ای به نظر می‌آمد اما در همان چند جمله رمز پر معنایی نهفته بود؛ رمزی که کنفدراسیون هیچ‌گاه به معنی واقعی آن، به معنی واقعی همان چند جمله‌ای که روزگاری دیگر سرنوشت ملتی را رقم می‌زد، پی نبرد. بدون تردید، بی‌توجهی کنفدراسیون به نقش مذهب در جامعه ایران، یا آنچه در آن نامه «رمزهای اسلامی» نام می‌گرفت، مطلب تازه‌ای نبود... بدون تردید، شکست قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ و قدرت روزافزون دستگاه حاکم، در این میان نقشی اساسی بازی می‌کرد. واقعیت این بود که کنفدراسیون... نقش آیه‌الله خمینی را خاتمه یافته تلقی می‌کرد. کنفدراسیون کوچکترین امکانی مبنی بر اینکه روحانیان روزگاری در ایران به قدرت برسند، نمی‌دید و در این ارزیابی تنها نبود.»<sup>۱</sup>

#### □ سازمان‌های اروپایی جبهه ملی ایران

پس از ایجاد جبهه ملی دوم در تیرماه ۱۳۳۹ در ایران، گروهی از هواخواهان جبهه ملی در آلمان و فرانسه گرد آمدند و سازمان‌های اروپایی جبهه ملی ایران را ایجاد کردند. پس از چند ماه نشریه‌ای به نام *ایران آزاد* منتشر کردند. از ویژگی‌های سازمان مزبور، عدم تجانس فکری و سیاسی بین رهبران و فعالان آن بود.

سران و فعالان سازمان‌های اروپایی جبهه ملی ایران، دیدگاه سیاسی و اجتماعی مشخصی نداشتند؛ برخی مانند خسرو شاکری و حسن ماسالی چپگرا و چند تن مانند بنی‌صدر و حبیبی ملی‌گرا با گرایش مذهبی بودند؛ بعضی دیگر نظیر قطب‌زاده و سلامتیان... صرفاً سیاسی بودند و منش ماجراجویی داشتند. در مجموع، گروه نامتجانسی بود با نقطه‌نظرهای مختلف؛ که هر چند رابطه منظم و ارگانیک با جبهه ملی در تهران نداشت، از آن پشتیبانی می‌کرد.

انجمن‌های دانشجویی جبهه ملی در اروپا، به‌طور پراکنده و به ابتکار خود عمل می‌کردند؛ بنی‌صدر و یارانش سال‌ها به نام جبهه ملی فعال بودند و نشریه‌ای به نام *خبرنامه* منتشر کردند. حسن ماسالی، یکی دیگر از فعالان جبهه ملی که هواخواه مبارزه مسلحانه و جنگ چریکی بود، به عراق رفت تا در آنجا شعبه

۱. همان: صص ۳۶۱-۳۶۴؛ با تلخیص.

جبهه ملی را ایجاد کند. سازمان‌های دانشجویی جبهه ملی در اروپا، تا اواسط دهه ۱۳۵۰، بی‌آنکه فعالیت چشمگیری داشته باشند، ابراز وجود می‌کردند و گاه اعلامیه‌هایی در مخالفت با رژیم شاه منتشر می‌نمودند.<sup>۱</sup>

### □ جامعه سوسیالیست‌های ایرانی در اروپا

جمعی از بقایای «حزب زحمتکشان ملت ایران» به رهبری خلیل ملکی، در پی سومین کنگره کنفدراسیون، به دلیل سلطه نیروهای چپ، از آن جمع خارج شدند و به فکر ایجاد سازمان مستقلی با هدف «سوسیالیسم ایرانی منطبق با فرهنگ و سنن و شرایط ویژه ایران» افتادند.

جامعه سوسیالیست‌های ایرانی در اروپا، اولین سازمان سیاسی سوسیالیستی بود که در خارج از ایران به وجود آمد و پس از مدتی توانست گروهی از جوانان ایرانی سرخورده از جریان‌های سیاسی و حزب توده را جذب کند. چند تن از اعضای این گروه که بعدها شهرت یافتند عبارت بودند از: حمید عنایت، محمدعلی همایون کاتوزیان، منصور فرهنگ و ناصر پاکدامن.

این جامعه، با خلیل ملکی و رهبران جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی در ایران ارتباط منظم داشت. نشریه این گروه در اروپا به نام مجله سوسیالیسم، به مدیریت و سردبیری امیر پیشداد مدیر سابق مجله علم و زندگی در تهران و نامه پارسی در پاریس، حدود سه سال به طور مرتب انتشار یافت. فعالیت‌های «جامعه» موجب عملیات ساواک از طریق فرستادن عوامل نفوذی گردید؛ یکی از عوامل نفوذی محمد طاهری دزفولی بود که بعدها در مراجعت به ایران نام خود را به «امیر طاهری» تغییر داد و سردبیر کیهان و مشاور مطبوعاتی امیر عباس هویدا شد.<sup>۲</sup>

### □ سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا

پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، دو گروه - با دو دیدگاه متفاوت - برای ایجاد جبهه ملی در آمریکا فعال شدند. از یک سو دکتر علی شایگان، وزیر فرهنگ دکتر مصدق، که پس از رهایی از زندان به آمریکا رفت، در فوریه ۱۹۶۲/بهمن ۱۳۴۰ جبهه ملی را در آمریکا تأسیس کرد.

۱. نجاتی، تاریخ سیاسی...، ج ۱: صص ۴۵۸-۴۶۱؛ با اندکی تصرف.

۲. همان: صص ۴۶۱-۴۶۳؛ با تلخیص.

در شورای مرکزی جبهه ملی، دکتر شایگان رییس شورا و نخشب، چمران، قطب‌زاده، شاهین فاطمی و ابراهیم یزدی اعضای هیئت اجراییه بودند.

از سوی دیگر محمد نخشب رهبر نهضت خدایپرستان سوسیالیست، با گرایش مذهبی - سوسیالیستی، برای ایجاد سازمان دانشجویان جبهه ملی در سال ۱۳۳۹ به فعالیت پرداخت. کوشش در برقراری وحدت سازمانی بین جبهه ملی و سازمان دانشجویان به نتیجه نرسید. جبهه ملی، از آن پس، حضوری سمبولیک داشت ولی سازمان دانشجویان فعال بود و پس از پیوند با کنفدراسیون در سال ۱۳۴۲، با آن همکاری داشت و به کنگره‌های آن نماینده می‌فرستاد.

سازمان دانشجویان ایرانی، که ترکیبی از ملیون و توده‌ای‌ها بود، همواره در معرض رقابت آن دو گروه برای زیر نفوذ قرار دادن سازمان قرار داشت. روزنامه اندیشه جبهه، به مدیریت نخشب، ارگان ملیون بود. با مطرح شدن امام خمینی(ره)، در جبهه ملی و کنفدراسیون در مورد ماهیت قیام روحانیون اختلاف ایجاد شد و توده‌ای‌ها موضع مخالف گرفتند. بالاخره فروپاشی جبهه ملی دوم به خارج از ایران هم سرایت کرد.<sup>۱</sup>

### □ نهضت آزادی خارج از کشور

فکر ایجاد نهضت آزادی در خارج از کشور را دکتر علی شریعتی، که از فعالان جبهه ملی در فرانسه بود، عنوان کرد. وی در سپتامبر ۱۹۶۲/ آبان ۱۳۴۱ نامه‌ای برای طرفداران نهضت آزادی فرستاد و لزوم ایجاد نهضت آزادی در خارج از ایران را تأکید کرد؛ و در عین حال خاطر نشان ساخت که انجام این مهم باید به آینده موکول شود و کوشش در تقویت جبهه ملی در اروپا در اولویت قرار گیرد؛ و نیز نهضت آزادی زیر چتر حمایت جبهه ملی باشد. بنیانگذاران نهضت آزادی در خارج از کشور، که همگی دانشجو بودند در اواخر سال ۱۳۴۱، در پاریس اجتماع کردند و درباره ایجاد سازمان مزبور به توافق رسیدند؛ و قرار شد نهضت مانند «سابه» وجود داشته باشد<sup>۲</sup> و در واقع شاخه دانشجویی خارج از کشور در قالب نهضت آزادی، به طور مستقل از تشکیلات ایران که به تعطیلی گراییده بود در سطح محدودی شکل گرفت. از جمله افراد شورای نهضت آزادی در خارج از کشور این افراد بودند: علی شریعتی، مصطفی چمران،

۱. همان: صص ۴۶۴-۴۶۶؛ با تلخیص.

۲. همان: ص ۴۶۹؛ از مصاحبه نویسنده با دکتر ابراهیم یزدی در اسفند ماه ۱۳۶۹.

ابراهیم یزدی، صادق قطب‌زاده، فریدون سحابی، محمد توسلی و ابوالفضل بازرگان.<sup>۱</sup> عده‌ای از فعالان این گروه در دی ماه ۱۳۴۲ برای آموزش نظامی و چریکی با موافقت عبدالناصر رییس جمهوری مصر به این کشور اعزام شدند. این عده عبارت بودند از: چمران، یزدی، بهرام راستین، پرویز امین، شریفیان و قطب‌زاده.<sup>۲</sup>

جمع مزبور به عنوان نمایندگان «سازمان مخصوص اتحاد و عمل» (سماع)، موافقت‌نامه‌ای با نمایندگان دولت مصر برای برنامه آموزش سیاسی - نظامی اعضا و معرفی‌شدگان این گروه امضا نمودند. در مرامنامه این سازمان که به منظور کسب موافقت عبدالناصر به وی ارائه شد «کوشش برای تحقق نظام جمهوری و رژیم اقتصادی سوسیالیستی متکی بر جهان‌بینی خداپرستی» به عنوان هدف، قید شده بود.<sup>۳</sup> در غیاب رهبران اصلی نهضت آزادی داخل کشور که در زندان به سر می‌بردند، احمد صدر حاج سیدجوادی و رحیم عطایی رابط تشکیلات داخل کشور با این سازمان بودند. در مجموع طی چهار دوره آموزشی، سی و یک تن از افراد اعزامی به مصر تحت آموزش قرار گرفتند و در سال ۱۳۴۵، سازمان مزبور به ارتباط با دولت مصر پایان داد و لبنان را مرکز فعالیت‌های خود قرار داد. اما در تابستان سال ۱۳۴۶ پس از تحولات سیاسی خاورمیانه و لبنان «پس از مدتی گروه مزبور پراکنده شد».<sup>۴</sup>

در اواخر سال ۱۳۴۹ دکتر مصطفی چمران، برای از سرگیری مبارزه، به طور مستقل و منفرداً به لبنان رفت و در ارتباط با امام موسی صدر - رهبر شیعیان لبنان - در ایجاد سازمان چریکی شیعیان (جنبش امل) نقش اساسی ایفا نمود.

از سال ۱۳۵۰ نهضت آزادی خارج از کشور که از حالت دانشجویی خارج شده بود، فعالیت خود را توسعه داد. دکتر یزدی و قطب‌زاده، هرچند وقت یک بار، به لبنان می‌رفتند و گاه در عراق با امام خمینی (ره) ملاقات می‌کردند. نشریه پیام مجاهد، ارگان نهضت آزادی و انجمن‌های اسلامی، توسط اینان در آمریکا منتشر می‌شد.<sup>۵</sup>

۱. همان: همان صفحه؛ پانوشت.

۲. همان: ص ۴۷۰.

۳. همان: همان صفحه، پانوشت.

۴. همان: ص ۴۷۲. اطلاعات بیشتر ← همان: صص ۴۶۹-۴۷۲ و فارسی، زوایای تاریک: صص ۴۱-۴۴.

۵. نجاتی، تاریخ سیاسی...، ج ۱: صص ۴۷۳-۴۷۴.

### □ انجمن‌های اسلامی دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا

از سال ۱۳۴۸ انجمن‌های اسلامی دانشجویان در فرانسه، آلمان، اتریش و دیگر کشورهای اروپا تشکیل شد. این انجمن‌ها، که رابط اصلی آنها صادق قطب‌زاده بود، با دیگر انجمن‌های مشابه در کشورهای خاورمیانه (لبنان، عراق، سوریه و مصر) در ارتباط بودند. انجمن‌های اسلامی دانشجویان، از نجف و ایران و احتمالاً دیگر کشورهای اسلامی (از طریق ایرانیان و روحانیون) کمک‌های مالی دریافت می‌کردند و پس از اتحاد با هم، در سطح اروپا سازمانی به نام «اتحادیه انجمن‌های اسلامی در اروپا» ایجاد کردند؛ حسن حبیبی، صادق طباطبایی، ابوالحسن بنی‌صدر و شمس‌الدین مجابی عناصر فعال آن بودند. این اتحادیه نشریه‌ای به نام مکتب مبارز داشت که سه ماه یک بار انتشار می‌داد. هدف نشریه در شماره ۱۲ این نشریه، «شناخت و شناسایی چهره واقعی اسلام» عنوان شده بود. در ایالات متحده آمریکا، ابراهیم یزدی در اداره و سازماندهی انجمن اسلامی دانشجویان فعال بود. وی در هوستون دفتر انتشاراتی تأسیس کرد؛ که کتب و نشریات اسلامی را پخش می‌نمود.<sup>۱</sup>

---

۱. همان: ص ۴۷۷؛ با تلخیص.